



لهجه برخوردار بود و خرف خود را در کمال ادب و بدون ملاحظه بیان می کردند و روی مواضع خود می ایستادند، اهل ریا و ظاهرسازی نبودند. در مسیر ماموریت خود خستگی ناپذیر بودند و سعی می کردند موانع را برطرف کنند که خدا را شکر در این راه منشا کارهای بزرگی شدند.

#### تصمیم به جابه جایی

این مطلب را هم به عنوان ختم کلام بیان می کنم سال ۹۲ مطرح شد که ممکن است ایشان دیگر ادامه ندهند و تصمیم به جابه جایی شهید فخری زاده گرفته شد. بنده یکی از گزینه هایی بودم که قرار بود جایگزین ایشان شوم به همین منظور با شهید فخری زاده تماس گرفتم تا همدیگر را ببینیم. به ایشان گفتم که این تشکیلات فرزند شماست و مسئولیت بزرگ کردن آن را از نطفه عهده دار بودید و به تمام زوایای آن آشنا هستید، مطمئناً هر کس دیگری از جمله بنده نمی تواند آن مجموعه را به خوبی شما سر و سامان دهد. نکته مهم بعدی این بود با این که بنده به عنوان یکی از گزینه های جایگزین مطرح بودم و در این صورت معمولاً مدیران فاصله می گیرند، ایشان برای بازدیدی که داشتند شخصا به بنده زنگ زدند که شما هم بیایید در صورتی که ممکن بود حضور من این شایعه را ایجاد کند که قرار است فلانی جای آقای فخری زاده بیاید. با این که پیش بینی این شرایط را می کردند، ابایی از تعامل و همراهی من نداشتند. نگاه شان به موضوعات جامع، باز و راحت بود. مسیر کاری ایشان در ادامه از ما جدا شد و من توفیق همکاری با ایشان را نداشتم و نکاتی که بیان کردم هم مربوط به شناخت کلی می شود که به واسطه رابطه دور و نزدیکی که با شهید فخری زاده داشتم، حاصل شده بود. ان شاء... روح ایشان شاد باشد و ما بتوانیم پشت سر این دانشمند شهید حرکت کنیم.

ندارم و معتقدم که این تهدیدات جدی نیست و علاوه بر این تا زمانی که مشغول کار هستیم برخی از این تهدیدات وجود دارد و وقتی از کاری جابه جا یا بازنشسته می شویم، این تهدیدات خودبه خود کم رنگ می شوند اما تنها کسی که ایمان داشتم همیشه مورد تهدید هستند، آقا محسن بودند به دوستان مکرر می گفتم که آقای فخری زاده تا زمانی که زنده هستند در معرض تهدید قرار دارند. معتقد بودم حتی اگر به کهنوت سنی هم برسند تهدیدها علیه ایشان مرتفع نمی شود و می گفتم دشمن اگر بتواند اقدام به ربایش ایشان می کند چون در اختیار داشتن شهید فخری زاده برای ایشان خیلی قیمتی بود و به این وسیله می توانستند به اهدافی که مد نظر داشتند، برسند و در نهایت نیت پلید خود را با حذف فیزیکی ایشان محقق کردند.

#### انس با حافظ

در رابطه با آقای فخری زاده باید به این نکته هم اشاره کنم که ایشان یک شخصیت علمی خشک نبودند غالب افرادی که در علوم پایه اعم از فیزیک، شیمی و... مشغول فعالیت جدی هستند درگیر روحیات و ویژگی های خاصی می شوند ولی ایشان روحیه لطیفی داشتند. اولاً فرد عارف مسلکی بود و در کنار حوزه تخصصی کاری شان، علاقه زیادی هم به فلسفه و عرفان داشتند. با حافظ خیلی مانوس بودند و هر زمان که به اتاق کارشان می رفتم می دیدم که دیوارهای اتاق مملو از تابلوهایی با خط خودشان بود. یک بار از ایشان خواستم که یکی از تابلوها را به عنوان یادگاری به من بدهند و قبول کردند اما توفیق آن را پیدا نکردم. ایشان در کنار اینها با ادبیات، عرفان و فلسفه آشنا بودند و نگاه بسیار خاص و روحیه جامعی داشتند. اگر بخواهم درخصوص ارتباط شهید فخری زاده با خدا مطالبی را بیان کنم به نظرم فردی که ایمان قوی نداشته باشد، نمی تواند انسان صبور و با سعه صدری باشد، زیرا این ویژگی ها از ایمان افراد نشأت می گیرد و اعتقاد انسان به دین و مذهب باعث تبلور این خصوصیات می شود.

#### ارادت به سیدالشهدا

مسئولیت پذیری و عشق به شهادت در رفتار و سکنات ایشان موج می زد. ایشان می دانستند که شهید می شوند اما با وجود این خطرات را پذیرفته بود و در نهایت باید گفت حیف بود که ایشان مزد کارها و خدمات شان را با شهادت نگیرند. راستگویی و درستکاری ایشان زبانزد بود و علاوه بر این از صراحت

تنها کسی که ایمان داشتم همیشه مورد تهدید هستند آقا محسن بودند و به دوستان مکرر می گفتم که آقای فخری زاده تا زمانی که زنده هستند در معرض تهدید قرار دارند